

افشای راز یک جنایت در ملاقات مادربزرگ با نوه هایش

گروه حوادث: مرضیه همایونی/ زن میانسال با برگه‌ای در دست وارد اتاق افسر پلیس شد با صدایی خسته و نگران سلامی کرد و گفت: «چند هفته قبل پسرم سیاوش پیامکی برایم فرستاد و در آن از من خداحافظی کرد و گفت برای کاری به ترکیه می‌رود و مدتی نمی‌تواند با من تماس بگیرد. خیلی عجیب بود چون تا به حال پسرم برای رفتن به سفر به این شکل از من خداحافظی نکرده بود. با این حال صبر کردم تا خودش تماس بگیرد اما وقتی غیبتش طولانی شد و خبری هم نشد نگرانش شدم از طرفی دلم هم برای دیدن نوه‌هایم تنگ شده بود به همین خاطر برای دیدن‌شان با عروسم تماس گرفتم تا هم به خانه شان بروم و هم ازاو درباره پسرم سؤال کنم اما عروسم تلفنش را جواب نداد بعد به خانه‌شان رفتم که متوجه شدم بی خبر از آن خانه رفته‌اند وآدرسی هم ندارم الان به اینجا آمده‌ام تا از شما بخواهم آدرس عروسم را پیدا کنید تا من به دیدار نوه‌هایم بروم.

افسر پلیس با شـنیدن این جملات به فکر فرو رفت. ذهن او بیشتر درگیر پسر این زن بود تا عروس و نوه‌هایش چرا که تجربه کار چند ساله در این حرفه نشان می‌داد اغلب وقتی کسی با ارسال پیامک از خانواده‌اش خداحافظی می‌کند و می‌گوید به سفر می‌رود نشانه خوبی نیست و داستانی پشت آن پنهان است. چطور ممکن است یک نفر فقط با یک پیامک کوتاه خبر سفر خارجی‌اش را به مادر و پدرش بدهد و حتی تماس تلفنی هم نگیرد. افسر جوان که فکرش درگیر شده بود رو به زن میانسال کرد و گفت: «مادر، اول یک شکایت مطرح کن و بنویس پسرت ناپدید شده است.» زن میانسال یکه‌ای خورد و تعجب کرد چراکه او برای پیگیری دیدن نوه‌هایش به آنجا آمده بود حالا باید شکایت ناپدید شدن پسـرش را اعلام می‌کرد. از حرف افسر پلیس دلش فرو ریخت با خودش گفت یعنی برای پسرم اتفاقی افتاده است؟ و این فکر مثل خوره به جانش افتاد.

ردپای عروس

با شـکایت زن میانسـال تحقیقات آغاز شد و در اولین گام شماره تلفن عروس خانواده مورد بررسی قرار گرفت. خیلی زود مشخص شد وی با مرد غریبه‌ای در ارتباط است. از سوی دیگر با استعلام از اداره گذرنامه مشخص شد که سیاوش از کشور خارج نشده است. دلیلی هم برای خروج غیرقانونی این مهندس جوان و تحصیلکرده از کشور پیدا نشد.

در ایـن مـدت نیـز هیـچ برداشـتی از کارت‌های بانکی او انجام نشده بود.

صالح عبدی‌نژاد، عضـو هیأت علمی پژوهشـگاه علوم انتظامی و مطالعات اجتماعـی کـه در آن زمـان افسـر رسـیدگی‌کننده بـه این پرونـده بود، درباره جزئیات این ماجرا می‌گوید: «در تحقیقاتی که انجام دادیم، مشـخص شد که همسر سیاوش با مردی متأهل به نام فرامرز در رابطه است. در ادامه همسر فرامرز را شناسایی و او را به اداره چهـارم پلیـس آگاهی احضـار کردم. زنی جوان، موقر و متیـن وقتی درباره شـوهرش از او پرسـیدیم بی‌مقدمـه گفت: «مدت‌هاسـت که به همسـرم مشـکوک هسـتم. بعضی از شب‌ها به بهانه کار به خانه نمی‌آید. چند روز قبل هم دو سه شبی به خانه نیامد و زمانی که آمد خیلی پریشان بود.»

بازداشت مرد جوان

وقتی از زن جوان پرسـیدیم همسرت الان کجاسـت گفت که با مـن آمده و جلوی در اداره آگاهی ایسـتاده است. بنابراین از او خواسـتیم به شـوهرش بگوید به داخل بیاید. با توجه به اسناد و مدارک موجود و صحبت‌های همسر فرامـرز دیگر فرضیـه دخالـت وی در ناپدید شـدن سـیاوش پررنگ شـده بود به همین خاطر به جای وقت تلف کردن و زمان دادن به وی، برای از بین بردن شواهد و مدارک تصمیم گرفتیم او را بازداشـت کنیـم. بـا اینکه خودم آن شب به یک جشـن عروسی دعوت بودم اما مثل همیشه کار را به مسائل شخصی ارجح دانسـتم و در فاصله‌ای کـه فرامـرز بـه داخـل اداره بیاید با بازپرس پرونده هماهنگ کرده و دستور بازداشت او را از بازپرس گرفتم. پس از هماهنگی‌های قضایـی تحقیقاتم را از او شـروع کردم. وقتی مقابلم نشست اضطراب و نگرانی را در چهره‌اش دیدم. از سوی دیگر مشخص بود دچار عذاب وجدان و پشیمانی است همین شد که چند ساعت بعد لب به اعتراف باز کرد و به قتل سـیاوش با همدستی همسر وی اعتراف کرد.

آرایشگری که به مشتری‌اش خیانت کرد

فرامـرز گفت: «زن سـیاوش آرایشـگر بـود و بـرای انجـام کارهـای کاشـت ناخن همسـرم به خانه مـا می‌آمد و از این طریـق با او آشـنا شـدم. بعد هم ارتباط‌مان بیشتر شـد تا اینکه یک روز به من گفت شـوهرش به او شک کرده اسـت. گفت ممکن اسـت سـیاوش مچ‌مان را بگیـرد و باید پیش دسـتی کنیم. بـه گفته همسـرش، سـیاوش عادت داشـت وقتـی به خانـه می‌آمد مستقیم به سریخچال می‌رفت و دلستر می‌خورد. همسـرش هم از این عادت سوءاستفاده کرد و داخل دلستر تعداد زیادی قرص ریخت. بعد از اینکه مقتول دلسـتر را خورد و بی هوش شـد، مینو خانه را تـرک کرد و من بـا کلیدی که از قبل داشتم وارد خانه شدم. اما برخلاف انتظارم وقتی وارد خانه شدم سیاوش بیدار بـود به ناچـار با او درگیر شـدم و او را به قتل رسـاندم. می‌خواسـتم جسدش را در بیابان‌های اطراف تهران رها کنم اما موفق نشـدم و می‌ترسیدم کسـی مرا ببینـد و راز این قتـل برملا شود.»

دفن جسد در باغ

مرد جوان ادامـه داد: «مانده بودم چکار کنم. یک باغ را در شـهریار بـه مدت ۱۰ روز اجاره و در انتهای باغ جسـد را دفن کردم و بعد از چنـد روز هم باغ را تحویل دادم و دیگر هم به آنجا نرفتم. فقط این را بگویم که هر چه زودتر همسر سیاوش را بازداشت کنید اگر او با من تماس بگیرد و متوجه خاموش بودن گوشی‌ام شود شک می‌کند و ممکن است فرار کند.»

وی همچنیـن گفت که همسـر مقتول برای اینکه خانواده شـوهرش به غیبت او شـک نکنند چند روز بعد، از گوشـی شـوهرش پیامکی برای مادرشـوهرش فرستاد و از او خداحافظی کرد و نوشت که به ترکیـه مـی‌رود و نمی‌توانـد با او تماس بگیرد و به محض اینکه برگردد، خبر می‌دهد.

باغی که تبدیل به برج شده بود

افسـر پرونـده می‌گویـد کـه یکـی از عجیب‌تریـن اتفاقات در ایـن پرونده زمانـی رخ داد که برای کشـف جسـد راهـی شـهریار شـدیم ؛ قبـل از آن به محـل اعتـراف فرامـرز بلافاصله با بازپـرس جنایی هماهنـگ کردم و دستور بازداشت همسرمقتول را گرفتم. هم‌زمان هم به همراه فرامرز راهی باغ مورد نظر شدیم تا جسد قربانی جنایت کشف شود. چون چند ماه از این ماجرا گذشـته بود، مجبور شـدیم برای پیدا کردن باغ بیشـتر خیابان‌های منتهی به باغ‌های چند هزار متری را بگردیم. فرامرز با دقت به خانه‌ها نگاه می‌کرد. سـاعاتی گذشـت و هوا کامـلاً تاریک شـده بود که فرامرز خواسـت ماشین در مقابـل خانـه‌ای در حال سـاخت توقـف کند. بعـد به من گفـت همین خانه اسـت. اما زمانی که مـن اینجا را اجاره کردم خانه‌ای قدیمی داخل باغ بود و حـالا سـاختمانی نیمه سـاز در اینجا بنا شـده اسـت. نگاهی به خانه باغ انداختم سـاخت وسـاز به مرحله بتن‌ریزی رسیده بود و کارگران مشغول کار در ساختمان بودند. وقتی با صاحب ملک تماس گرفتیم و موضوع را گفتیم از شدت ترس و ناراحتی داشت سکته می‌کرد او گفـت موقع گودبرداری هیچ مورد مشـکوکی ندیده بودند و بعد هم التماس کنان گفت که من خیلی هزینه کردم اگر بخواهید اینجا را تخریب کنید من خیلی متضرر می‌شوم.

کشف جسد در باغچه قدیمی

عبدی‌نـژاد می‌گوید: «موضـوع عجیبی بود بی‌تردید بدون کشـف جسد، پرونده تکمیل نمی‌شـد و از طرفی هم تخریب و حفاری زمین با آن شـرایط بسیار سخت بود. از متهم خواسـتم محل دقیق دفن جسد را نشان دهد. او مدعی بود که قبلاً اسـتخری آنجا بوده و جسـد را آنجا دفن کرده که اظهاراتش عجیـب و غیرممکن بود از طرفی بی‌شک زمانی که کارگران در حال حفاری استخر بودند باتوجه به عمق زیاد استخر، جسد را باید پیدا می‌کردند. درنهایت فکری به ذهنم رسید از صاحب ملک خواستم نقشه قدیمی خانه‌اش را بیاورد. نقشـه را مقابل فرامرز گذاشتم. خواستم طبق نقشه و از در ورودی نشان دهد که جسد را در کجا دفن کرده است. فرامرز بـا کمی دقـت، انتهـای خانه را علامت زد و گفت این محل دفن جسد است. حالا نوبت پیدا کردن محل دفن روی نقشـه جدید بود. دو نقشه را روی هم گذاشته و مطابقت دادیم. درنهایت نقطه‌ای به‌دسـت آمد کـه باغچه‌ای در انتهای ساختمان بین دو درخت قدیمی و تنومند قرار داشت. خوشبختانه باغچه باتوجه به اینکه انتهای ساختمان بود و از طرفی بـا درخت محاصره شـده بود، تخریب نشده و فقط در آن گلکاری کرده بودند. بلافاصله از چند کارگر خواسـته شد تا آنجا را حفاری کنند. سه متر پایین رفتند اما از جسد خبری نبود. دیگر کلافه شده بودیم اگر جسد پیدا نمی‌شد باید کل خانه را حفاری می‌کردیم. فرامرز هم اصرار داشت جسـد همانجاست با این حال چنـدان به حرف‌هایـش مطمئن نبودم و تصور کردم می‌خواهد ما را گمراه کند. در اوج ناامیدی از کارگران خواستم کمی دیگر زمین را حفاری کنند. آنها هم دوباره دست به کار شدند و اولین تیشه را که زدند، به یک سنگ بزرگ رسیدند. یـادم آمد متهـم گفته بود جسـد را زیر تخته سـنگی قرار داده بود. سنگ را که برداشتند، جسد پیدا شد. نفس راحتی کشیدم چون حالا دیگر پرونده تکمیل شده بود.

وقتی به اداره برگشتیم همسر مقتول هم دستگیر شـده بود و خیلی زود اعتراف کرد. با خـودم فکر می‌کـردم اگر آن روز مادربـزرگ پیگیر ملاقات بـا نوه‌هایش نشده بود شاید راز این جنایت تا مدت‌ها سر به مهر باقی می‌ماند.

یک جدول با دو شرح جـدول روزنامـه ایران دارای دو «شـرح عـادی و ویـژه» اسـت. در صـورت تمایـل بـه حل دو شـرح ابتدا یکی از شرح‌ها را با مداد حل کرده و سپس با پاک کردن جواب شرح اول، به حل شرح دوم بپردازید. **۹۱۶۷**

جدول عادی

افقی

۱- اثری باستانی در شهرستان شوشِ استان خوزستان نزدیک منطقه باستانی هفت‌تپه - چک و سیلی
۲- پدر - پاینده - ملیح
۳- گاهنامه - ماده ضد ویروس چای - جلوه شاعرانه خواب
۴- مرض کشنده- پنهان کردن- بندری در بندرعباس- شهراستان همدان
۵- برهنه - در شب می‌درخشد - سرامیک لعاب‌دار
۶- رنگ پلنگ کارتونی - خرگوش - از عبادات
۷- جناح چپ - طور دیگر نشان دادن - واژه‌ای برای بیزاری
۸- قایق مسابقه‌ای - طلای سیاه - چنگ‌نواز عهد ساسانی
۹- نام افزون - آزرده شدن - گلی زینتی
۱۰- بن و بیخ - شادی و فرح - از مظاهر زیبای طبیعت
۱۱- نام دخترانه - درس دادن - بزرگ
۱۲- رویه، مساحت - مذهبی در «هند» - عدد تیزپا! - دوش
۱۳- مهروموم- نام دیگری برای خانم‌ها به معنی نفس و پناه- محصل هنرستان
۱۴- فیلمی کمدی از سـروش صحت (روی پرده سـینما) - بسـیار کوچک - پناهگاه
۱۵- ناخن اسب - کنایه از کمر همت بستن

عمودی

۱- وسیله نقلیه پُرخطر! - شکرگزاری
۲- بالاخره - بخشی از گیاه - نوشته سحرآمیز
۳- آشـوب - درسـت - مهربانی پـروردگار نسـبت به بندگانش
۴- پدر فرنگی - جلسه مشورتی - عادت - جزء و قطعه
۵- دوراندیش - از علائم نگارشی - حرف نشانه مفعول
۶- غصه - پیمان آسیایی - هدف
۷- مأنوس شدن - واسطه صلح و دوستی - دوا
۸- دلداده حضرت یوسف(ع) - دور کردن - ژاکت زنانه
۹- همنشین و همدم - کشیدگی، راستا - زمان بی‌آغاز
۱۰- خوش‌رو و زیبا - جنگ و جدال - حرف جمع فارسی
۱۱- تیرپیکان‌دار - طرد کردن - راه و طرز
۱۲- شـهر خروس جنگـی - روی تاریک زمین - سـال تحصیلی - چاشنی غذا
۱۳- سال نجومی - میل خانم باردار - بسیار حمله کننده
۱۴- بازشناسی - رشک برنده - حی و حاضر
۱۵- فرمان کشتی - لقب تختی

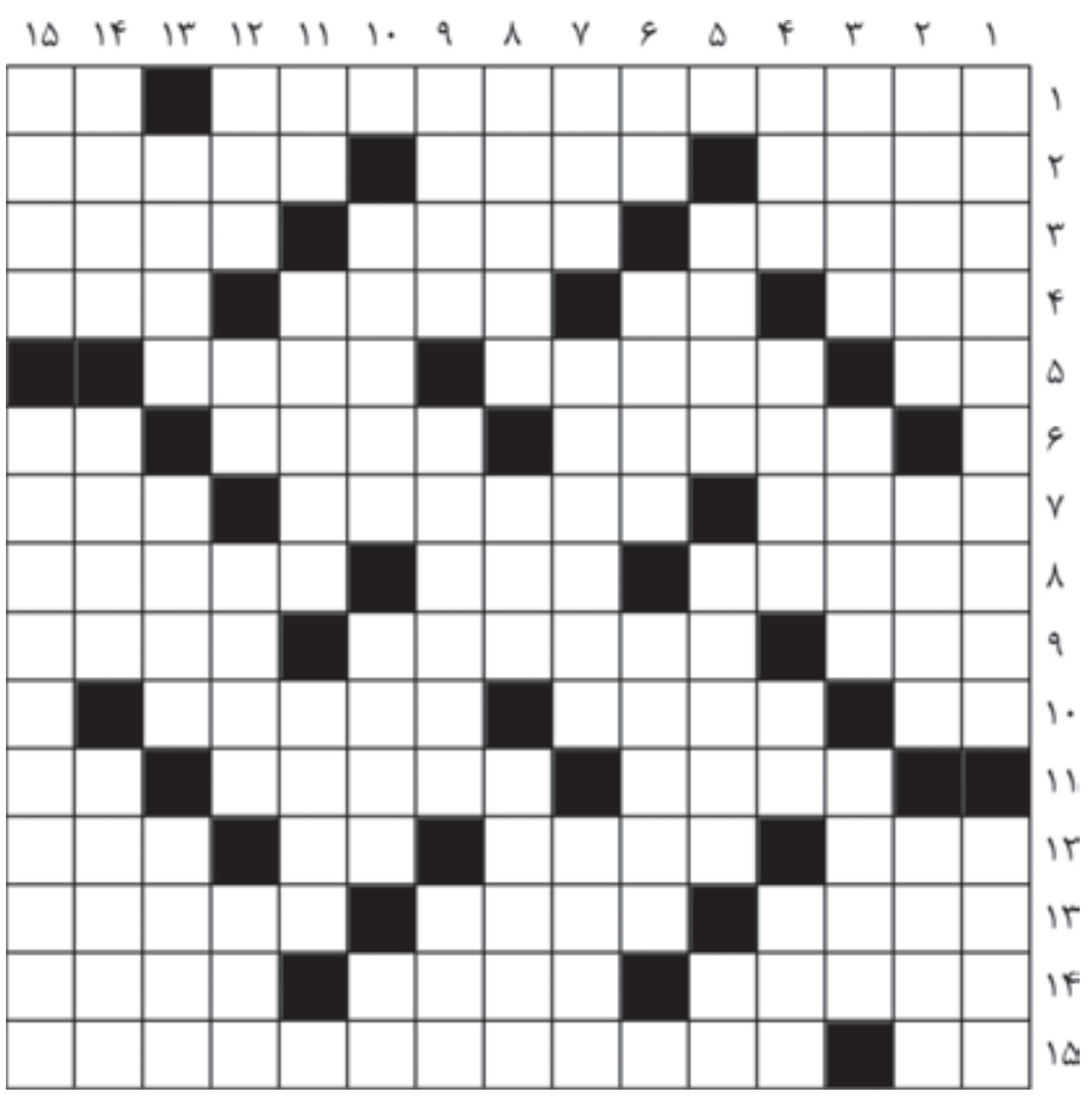
جدول ویژه

افقی

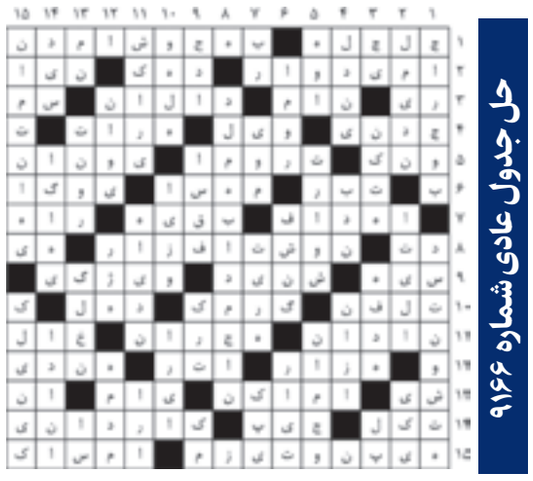
۱- بررسی تنوع زیستی زمین - همراه سالاد
۲- رقم اول از سمت راست عدد- کیسه‌کش حمام- اثر «ژان پل سارتر»
۳- پسر مازنی - خبرگزاری «ایتالیا» - نام پسرانه
۴- دندان‌آذری- مستبد- تئاتری با درخشش شیوا مکی‌نیان (۱۳۹۰)- انگبین
۵- نام دیگر شابلون آبکاری - تکراری و قالبی - ورزش رزمی
۶- فیلم بهروز افخمی - بلندمرتبه - ارمغان طبیعت
۷- به شگفت‌آمدن- زبان کشور «قرقیزستان»- علت سیاه‌شدگی نقره
۸- غوغا - خرناس - تمام کردن
۹- گنگ - جدا کردن مواد سمی و زائد از خون - نهی کننده
۱۰- تاکسی پرجمعیت! - گیاه اشک‌آور - شیرین، گوارا
۱۱- وسیله تقویت شنوایی- مرض خارش‌دار التهابی پوست- حرف خطاب
۱۲- دستگاهی در موسیقی - پادشاه فرانسه - کلمه اخطار و تنبیه - شفا دهنده بیمار
۱۳- قطعی برای کتاب - بندر استان بوشهر- آیین‌ها
۱۴- آرایش صورت - دره - پیام‌رسان ایرانی
۱۵- هالوژن نمک - اثر «کارل چاپک»

عمودی

۱- فیلم ایرج طهماسب- لینت
۲- دانه‌دانه - به چشم دیدن - نام پسرانه
۳- اصطکاک - مردان سیاسی - رونده
۴- کم‌پشت - چکش در خانه! - اسم زنانه فرنگی - اسب چاپار
۵- غالب‌تر و بیشتر - سپرده - در پی و ورا
۶- یکی از ضمایر شخصی پیوسته- قطعه‌ای در خودرو- یاقوت
۷- مگر- نام قدیم شیراز - با عاطفه
۸- حادثه ناگهانـی - گفت‌وگو - هم نامـی دخترانه و هم به‌معنی ماه‌ها
۹- تمام و همگی - واحد پول «اوگاندا» - زمان معین
۱۰- از صنایع ادبی - بانگ شغال - تیرپیکان‌دار
۱۱- طول بدن آدمی - ماده معدنی طب سنتی - بوی خوش
۱۲- کلمه ندایی شاعرانه! - دود- کرم کدو - ضایعه پوستی
۱۳- پایتخت «لهستان» - اشاره به دور - همیشه
۱۴- محصول چتر - شاهد - کتاب مقدس زرتشت
۱۵- غربال - ستاره «بارسلونا»



حل جدول عادی شماره ۹۱۶۶



حل جدول ویژه شماره ۹۱۶۶

